

راز قتل مرد کارتن خواب سر به مهر ماند

■ جلال مهرگان

ناکام ماندن تلاش پلیس در پیدا کردن قاتلن مرد کار تن خواب سبب شد خانواده‌اش درخواست دبه از بیت‌المال را مطرح کنند.

سه سال قبل مردی در محله مولوی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک قاتل را اعلام کرد. او گفت: من صبح زود از خانه خارج شدم تا به محل کار م بروم که متوجه شدم مردی کنار خیابان افتاده است. وقتی نزدیک شدم، دیدم او غرق خون است که با پلیس تماس گرفتم. بعد از آن مأموران پلیس در محل حاضر و متوجه شدند مرد جوان که اوراق هویتی همراه ندارد به قتل رسیده است. با حضور بازپرس، بررسی‌های اولیه در این باره انجام و جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

در حالی که بررسی‌ها جریان داشت، مردی گم شدن برادرش را به پلیس خبر داد. او گفت: برادرم یونس کارتن‌خواب است. او چند سال قبل به مصرف موادمخدر اعتیاد پیدا کرد. برای نجاتش تلاش کردیم و چند بار او را در کمپ بستری کردیم که فایده‌ای نداشت و سرانجام یونس از خانه رفت و کارتن خواب شد. او مدام با من تماس می‌گرفت و جو‌بای حالش بودم. اما مدتی است که از او بی‌خبرم. به پاتوق‌هایش هم رفتم. اما اثری از برادرم پیدا نکردم.

با اطلاعاتی که مرد جوان در اختیار پلیس گذاشت، مأموران در این باره تحقیق کردند و از آنجا که مشخصات یونس با جسد کشف شده مطابقت داشت، احتمال دادند جسد کشف شده متعلق به یونس باشد. بنابراین او به پزشکی قانونی منتقل و هویتش شناسایی شد. بعد از آن تلاش برای شناسایی و بازداشت عامل قتل به جریان افتاد و مأموران چند نفر را به عنوان مظنون بازداشت کردند. اما از آنجا که دلایل کافی علیه‌شان وجود نداشت، آزاد شدند.

در حالی که تحقیقات پلیس با این‌بست مواجه شده بود، خانواده یونس باز سال‌ها بجای‌های در دادسرا درخواست دبه از بیت‌المال را مطرح کردند. بعد آن پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد. یکی از اعضای خانواده مقتول گفت: بعد از اینکه متوجه شدیم یونس به قتل رسیده، پلیس برای شناسایی و بازداشت عامل قتل تلاش خود را آغاز کرد، اما نتیجه‌ای به دست نیامد. برادرمان یونس از دو‌ج‌ج کرده بود و صاحب همسر و دو فرزند است، اما به دلیل شدت مصرف کارتن‌خواب شده بود. باین حال ما با او در تماس بودیم تا اینکه به قتل رسید. حالا هم درخواست داریم دبه او از بیت‌المال پرداخت شود تا آن را صرف همسر و دو فرزندش کنیم.

دادگاه بعد از شنیدن اظهارات خانواده مقتول وارد شور شد.

■ شکی دامه داد: داخل کار گاه هیچ کسی جز این چهار نفر نبودند و تازه فهمیدم در دام آدم‌ربایان گرفتار شده‌ام. آنها مرا شکنجه دادند و از صحنه شکنجه‌ها هم فیلم گرفتند و برای خانواده‌ام فرستادند و برای آزادی‌ام درخواست پول کردند.

یک هفته من اسیر آنها بودم و در این یک هفته متوجه شدم، افراد دیگری را هم آنها به همین شیوه به کار گاه کشاندند و با تهیه فیلم شکنجه از خانواده‌هایشان اخاذی می‌کنند. به هر حال آنها چند باری فیلم شکنجه مرا برای خانواده‌ام فرستادند و در نهایت خانواده‌ام مجبور شدند ۳ هزار دلار به حسابی که آنها داده بودند، واریز کنند و پس از این گروگانگیرها دوباره چشمشان را با پارچه‌ای و دست و پایم را با طناب بستند و در اطراف تهران رها کردند. سپس به سختی دست و پایم را باز کردم و خودم را به خانه‌مان رساندم و تصمیم گرفتم همراه خانواده‌ام به اداره پلیس بیایم و از گروگانگیران خشن شکایت کنم.»

■ فرار از اسارت نگاه

با شکایت پسر افغان پرونده به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

همزمان با ادامه تحقیقات مأموران پلیس با چند شکایت مشابه دیگر روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت چند مرد پاکستانی به بهانه کار شاکیان می‌بایند و در کارگاهی

ححوالات

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

فرار گروگان آدم‌ربایان پاکستانی را گرفتار کرد

■ غلام‌رضا مسکنی

فرار گروگان پس از دو هفته اسارت در کار گاه صنعتی، اعضای باند آدم‌ربایان پاکستانی را به دام انداخت. سه مرد پاکستانی که افراد جو‌بای کار را می‌ربودند، پس از ارسال فیلم شکنجه آنها، از خانواده‌ها بی‌شان اخاذی می‌کردند.

چندی پیش پسر جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از چند مرد پاکستانی به اتهام آدم‌ربایی و اخاذی شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «من افغانی هستم و مدتی قبل برای کار از افغانستان به ایران آمدم و در تهران همراه خانواده‌ام ساکن شدم. یک هفته پیش داخل پارکی در جنوب تهران روی صندلی نشسته بودم که مردی پاکستانی کنارم نشست. او فارسی صحبت می‌کرد و وقتی فهمید دنبال کارم به من گفت در کارگاهی حوالی جنوب تهران به عنوان سرکار گر مشغول به کار است و کارگاهشان نیاز به کار گر دارد. مرد پاکستانی با چرب‌زبانی مرا فریب داد و با خودش برد. در اطراف تهران سه نفر دیگر از دوستانش به او ملحق شدند و چشمان مرا با پارچه‌ای و دست و پایم را با طناب بستند و به کار گاه‌ی منتقل کردند.»

■ شکنجه

شاک‌ی دامه داد: داخل کار گاه هیچ کسی جز این چهار نفر نبودند و تازه فهمیدم در دام آدم‌ربایان گرفتار شده‌ام. آنها مرا شکنجه دادند و از صحنه شکنجه‌ها هم فیلم گرفتند و برای خانواده‌ام فرستادند و برای آزادی‌ام درخواست پول کردند. یک هفته من اسیر آنها بودم و در این یک هفته متوجه شدم، افراد دیگری را هم آنها به همین شیوه به کار گاه کشاندند و با تهیه فیلم شکنجه از خانواده‌هایشان اخاذی می‌کنند. به هر حال آنها چند باری فیلم شکنجه مرا برای خانواده‌ام فرستادند و در نهایت خانواده‌ام مجبور شدند ۳ هزار دلار به حسابی که آنها داده بودند، واریز کنند و پس از این گروگانگیرها دوباره چشمشان را با پارچه‌ای و دست و پایم را با طناب بستند و در اطراف تهران رها کردند. سپس به سختی دست و پایم را باز کردم و خودم را به خانه‌مان رساندم و تصمیم گرفتم همراه خانواده‌ام به اداره پلیس بیایم و از گروگانگیران خشن شکایت کنم.»

■ فرار از اسارت نگاه

با شکایت پسر افغان پرونده به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

همزمان با ادامه تحقیقات مأموران پلیس با چند شکایت مشابه دیگر روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت چند مرد پاکستانی به بهانه کار شاکیان می‌بایند و در کارگاهی



حسی می‌کنند و پس از تهیه فیلم شکنجه و ارسال آن برای خانواده‌هایشان از آنها اخاذی می‌کنند. یکی از شاکیان که جوانی افغانی بود به مأموران گفت او هم یک هفته در اسارت‌نگاه آدم ربایان حبس بوده و وقتی خانواده‌اش ۲ هزار دلار به آنها دادند، رهایش کردند.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی گروگانگیران پاکستانی ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید یکی از گروگان‌ها که اسیر مردان پاکستانی بوده موفق به فرار از اسارت‌نگاه شده و پس از شکایت اعلام کرده آدرس مخفیگاه آنها را می‌داند.

وی به کارآگاهان جنایی گفت: «دو هفته قبل مردان پاکستانی مرا ربودند و به کار گاه صنعتی در اطراف تهران منتقل کردند.

سردسته باند مرا به بهانه کار به اطراف تهران کشاندند و بعد همراه همدستانش به زور ربودند. آنها از خانواده‌ام ۳ هزار دلار درخواست کردند، اما خانواده‌ام پولی نداشتند به آنها بدهند. گروگانگیران مرا شکنجه می‌دادند و هر روز فیلم شکنجه را برای خانواده‌ام می‌فرستادند. آنقدر شکنجه‌ام کردند که تمام بدنم زخمی و خونی بود. ساعتی قبل نگاهبان در را قفل کرد و وقتی دیدم هیچ کسی داخل کار گاه نیست، با مبله آهنی به سختی قفل در تخریب کردم. می‌دانستم گروگانگیران به خاطر اینکه خانواده‌ام به آنها پول نمی‌دهند، جانم را می‌گیرند و به همین دلیل آنقدر تلاش کردم تا قفل در شکست و موفق به فرار از کار گاه شدم. در حالی که تمام لباس‌هایم پاره شده بود، خودم را به جاده‌ای رساندم و از رانندگان عبوری درخواست کمک کردم. راننده‌ها قیافه خوبی و بهم ریخته مرا که می‌دیدند از ترس توقف نمی‌کردند تا اینکه جلوی راننده‌های راه گرتتم و با گریه و التماس از او خواستم به من کمک کند و او هم مرا به شهر رساند.»

■ بازداشت آدم‌ربایان

بدین ترتیب مأموران با کمک گسر وگان فراری، محل کار گاه صنعتی را شناسایی کردند و راهی آنها شدند. مأموران در اسارت‌نگاه یک گروگان را دست و پا بسته نجات دادند و دو مرد گروگانگیر پاکستانی را هم بازداشت کردند.

دو متهم ابتدا منکر جرم خود شدند، اما در بازجویی‌های فنی خانواده‌ام فرستادند و برای آزادی‌ام درخواست پول کردند.

سردسته باند گفت: «چند سال قبل برای کار از پاکستان به تهران آمدم. مدتی کارهای ساختمانی می‌کردم تا اینکه یکی از دوستانم که در این کار گاه نگاهبان بود، به پاکستان رفت و مرا به عنوان نگاهبان جایش خودش گذاشت. مدتی بعد من و تعدادی از دوستانم نقظه آدم‌ربایی طراحی کردیم. از آنجایی که افغان‌های زیادی برای کار به ایران آمده بودند، تصمیم گرفتم پسران جوان افغان را به بهانه کار به کار گاه بکشانیم و آنها را گروگان بگیریم و از خانواده‌هایشان اخاذی کنیم. فکر می‌کردیم بیشتر آنها غیر مجاز هستند و از ترس اینکه از ایران اخراج شوند، شکایت نمی‌کنند. ما هر چند روز یکبار در پارک‌ها و محل تجمع کارگران افغانی سوزمان را انتخاب می‌کردیم و او را می‌ربودیم و از خانواده‌اش اخاذی می‌کردیم.»

متهمان پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند. مأموران در تلاشند به دستور بازپرس جنایی همدستان متهمان را شناسایی و بازداشت کنند.

فرار دزدان موتورسوار پس از سرقت کیف ۵۰ هزار دلاری

■ آرمین بینا

دو سارق موتورسوار، مرد جوانی را به خاطر سرقت ۵۰ هزار دلار به سر نگاه مرگ کشاندند و سپس از سرقت از محل گریختند. تحقیقات برای شناسایی سارقان خشن ناقبدا ر ادامه دارد.

چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید دو مرد نقابدار موتورسوار در یکی از خیابان‌های شمال غرب شهر به مرد جوانی حمله‌ور شده و پس از کتک‌کاری اموال او را سرقت کرده‌اند.

وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، دریافتند دو مرد موتور سوار که صورت خود را پوشانده بودند به مرد جوانی که کیف‌دستی همراه داشته، حمله کرده‌اند که در جریان درگیری مرد دیگری به کمک او رفته، اما سارقان هر

دو را به شدت کتک زده‌اند و پس از سرقت کیف‌دستی از محل به سرعت فرار کرده‌اند.

■ سرقت خشن

مأموران پلیس در ادامه برای تحقیق به بیمارستان رفتند و متوجه شدند صاحب کیف که مرد جوانی به نام کامران است بر اثر کتک کاری بی‌هوش و به کما رفته است و در قسمت مراقبت‌های ویژه تحت درمان قرار دارد، اما دوست او که به کمکش رفته بود، حالتی خوب است.

دوست مرد زخمی به مأموران گفت: «سارقان کیف‌پس‌ر از دلار کامران را سرقت کردند، او مقداری دلار به من امانت داده بود و ساعتی قبل به خانه‌ام آمد و دلارها را از من گرفت و به داخل خیابان رفت. هنوز تائبه‌هایی نگذشته بود که متوجه صدای کمک دوستم شدم و به

داخل خیابان رفتم. دیدم دو مرد نقابدار به او حمله کرده‌اند، من به کمکش رفتم، اما آنها ما را به شدت کتک زدند و کیف را سرقت کردند.

دوستم با ضربات چاقوی سارقان از هوش رفته بود که با اورژانس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. ■ ۳ میلیارد

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، چند روز قبل شاک‌ی از پرنگاه مرگ نجات پیدا کرد و سپس از مرخص شدن از بیمارستان به اداره پلیس رفت و از دو سارق خشن شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «چند سالی است در کار خرید و فروش دلار فعالیت دارم. مدتی قبل ۵۰ هزار دلار به یکی از دوستانم امانت برملا شدن زوایای پنهان آن ادامه داد.

عبور از خشم



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

ماری وارد مغازه تجاری شد. در حالی که به

گوشه‌های می‌خیزد، از روی آرم‌ای عبور کرد و کمی زخمی شد با عصبانیت برگشت و اره را گاز گرفت، اما آسیب بیشتری دید. مار که حسابی کلافه شده بود، تصمیم گرفت به هر قیمتی شده اره را از بین ببرد. بنابراین دور اره پیچید و تمام قدرتش را به کار گرفت تا اره را خفه کند، اما در نهایت خودش تلف شد.

عصبانیت یکی از رفتارهای پرخطری است که دنباله‌روی از آن به خشونت تبدیل

می‌شود. خیلی وقت‌ها این خشونت به ضرب و جرح و در مواردی هم به اتفاق‌های ناگوارتری، حتی قتل منجر می‌شود. این اتفاق در جاهایی که تراکم جمعیت بالاتری باشد، امکان بروز بیشتری پیدا می‌کند، خصوصاً در فصل گرم سال که به دلیل شدت گرما کنترل روی رفتار با دشواری بیشتری همراه است. خودرو از ابزاری است که مسیر را برای ایجاد درگیری هموار می‌کند، رانندگان و مسافرانی که در فصل گرم سال در ترفیک سنگین مانده‌اند باز از مواجهه شدن با کم‌ترین رفتار بازدارنده، امکان ورود به درگیری برایشان هموار می‌شود. راننده‌ای که در ترفیک سنگین کلافه می‌شود با شنیدن صدای بوق ممتد خودروی پشت سر این امکان برایش وجود دارد که به راحتی کنترل رفتارش را از دست بدهد و وارد یک درگیری شود. بخشی از خبرهای جنایی که به صفحه حوادث راه پیدا می‌کند، ریشه در همین رفتار پرخطر دارد. مثلاً اگر جمله «قتل سر جای پارک » را در موتورهای جست‌وجو تایپ کنیم با انبوهی از خبر مواجه می‌شویم که یک نفر به دلیل ناتوانی در کنترل رفتارش به قتل می‌رسد و دیگری هم نامش میان قاتلان ثبت می‌شود؛ زندگی‌اش تباه و جان خودش را در معرض خطر قرار می‌گیرد و همه اینها به دلیل ناتوانی در کنترل عصبانیت اتفاق می‌افتد.

این اتفاق‌ها در هر زمان و مکانی که دو نفر یا تجمع انسانی وجود داشته‌باشد، امکان بروز پیدا می‌کند. در کانون‌های خانواده اختلاف‌های خانوادگی با بروز عصبانیت یکی از طرفین شدت می‌گیرد و در صورتی که این مساجره مدیریت نشود، امکان بروز تنش یا درگیری وجود دارد. هستنند زوج‌هایی که به دلیل ناتوانی در کنترل عصبانیت خود دست به چاقو یا جسم سخت می‌برند و شریک زندگی‌شان را به قتل می‌رسانند و آسیب‌های این رفتار پرخطر به خانواده دو طرف هم سرایت پیدا می‌کند.

داشتن مهارت‌های زندگی، مهم‌ترین ابزار مراقبتی است که در بزنگاه‌های خطر می‌تواند از فرد مراقبت کند. روشن است افرادی که مهارت‌های زندگی را در جریان زندگی از خانواده، مدرسه و دانشگاه کسب کرده‌باشند، آسیب‌پذیری کمتری نسبت به اتفاق‌های ناگوار پیش‌رو دارند. رفتارهای پرخطر مورد اشاره همواره در معرض دید ما قرار دارد، بنابراین شهروندان چه مهارت‌های زندگی را کسب کنند یا کسب نکنند در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند و کسانی که به عصبانیت خوراک مناسب برسانند، بدون تردید در معرض آسیب قرار می‌گیرند و کسانی که عبور کنند در سلامت می‌مانند.



دستگیری اعضای باند مدارک دانشگاهی

اعضای بانندی که با جعل مدارک دانشگاهی آن را به قیمت کلان به متقاضیان می‌فروختند، بازداشت شدند. سرهنگ ضراب‌آذین، معاون عملیات پلیس آگاهی فراچا گفت: چندی قبل با درخواست حراست دانشگاه آزاد اسلامی، درباره رسیدگی به پرونده اعضای باند جعل مدارک دانشگاه آزاد، این موضوع در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت. بعد از آن بااطلاعات جمع‌آوری شده مشخص شد، افرادی ضمن تشکیل باند و ارتباط با دپه‌های دارای دسترسی به اطلاعات در مراکز حساس علمی و دانشگاهی نسبت به جعل مدارک رسمی و ارائه ریزنمات و همچنین استلام مثبت تأییدیه اقدام می‌کردند و مدارک مذکور را به افراد سوءاستفاده‌کننده در داخل و خارج از کشور به قیمت‌های گزاف به فروش می‌رساندند. پس از آن بود که دو نفر از اعضای باند در قرار ساخکنی بازداشت و تعداد زیادی مدارک جعل شده به‌همراه تجهیزات جعل کشف شد. متهمان در بازجویی‌ها به کلاهبرداری به این شیوه اعتراف کردند.

آگهی مناقصه تعمیرات شعب و پایگاه‌های امدادی هلال احمر در سطح استان البرز (شماره مناقصه ۷۰۰۰۰۰۰۰۷۰۵۳۶۰۰۰۳۰۰۲۰۰)

نام جمعیت هلال احمر استان البرز می‌بایست مهلت دریافت و ارسال اسناد مناقصه و زمان بازگشایی پاکت: مهلت دریافت اسناد از روی سامانه از تاریخ ۱۴۰۳/۴/۱۳ لغایت مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۳

۱- شرایط متقاضیان:

۱-دارا بودن شخصیت حقوقی و مورد تأیید مراجع ذیصلاح مربوطه
۲-دارا بودن گواهی صلاحیت ایمنسی (HSE)از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی

۳-دارا بودن تجربه و توانایی لازم و حسن سابقه در پروژه های قیل وروزمه مشخص در زمینه پروژه یاد شده

۴-دارا بودن توانمندی مالی ومدیریتی

۵-دارا بودن حداقل پایه درشته انبیه

مبلغ و نوع ضمانتنامه فرآیند:

مبلغ تقسیم شرکت در مناقصه معادل ۱۷۸۷/۵۶۹/۰۷۸۷/۸۹۰ریال برآورد می گردد(به هشتصد و نود میلیون و هفتصدو هشتاد و هفت هزار و پانصدو شصت ونه ریال) که به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر غیر مشروط به

جمعیت هلال احمر استان البرز



جمعیت هلال احمر استان البرز

سازمان البرز

مهلت ارسال مدارک بروی سامانه ۱۴۰۳/۴/۲۴ ساعت ۱۱ صبح
بازگشایی پاکت در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۴/۲۴ ساعت ۱۱ در محل سالن جلسات جمعیت هلال احمر استان البرز برگزار می‌گردد

آدرس محل برگزاری مناقصه:

کرج –خیابان شهید بهشتی، ضلع غربی زیر گذر طالقانی – ساختمان پروشات جنب شهر کتاب جمعیت هلال احمر استان البرز، اداره پشتیبانی

☞به درخواست مراجعه کنندگان قبل و بعد از تاریخ های تعیین شده ترتیب اثر داده نمی شود.

☞ شماره تماس ۰۲۶-۳۴۴۰۸۱۶۲ (داخلی ۱۳۷) جهت پاسخگویی به سوالات از ساعت ۸الی ۱۴ فعال می باشد.

نشانه آگهی:۰۰۸۱۷۴۴۰۰۰۸
نوبت دوم

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۵

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۰۰۹۰۷۸-۲۲۷۰۰۰۲۰۰۴۰۳۰۱۳ مورخ ۱۴۰۲/۲/۲۸ به کلاسسه شماره ۱۲۲۲۲۰۰۲۰۱۱۱۴۴۲۷۰۰۲۰۱۱۱۴۴۲۷۰۰ هیات اول /نوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی در ساختمان های فاقد سند رسمی مستقرد در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اعتبار ضرات مالکانه بلامعاری مناقضی آقای سید مهدی امینی فرزند سیدفتحاح به شماره شناسنامه ۴۴۰۲ صادره از ابهر در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۳۴۲.۴۳ مترمربع پلاک ۱۹۴۹ فرعی از ۱۱۲۲ اصلی واقع در ابهر بخش سه زنگان (ابهر) –اراضی شسناط بالاتر از راه آهن) خریداری از مالک رسمی (کلیه مالکین مشاعی) محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتبار خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضای تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۴/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۴/۲۴
شماره آگهی: ۱۷۴۱۵۱۷۰
سید ابهرای رئیس ثبت اسناد و املاک

نشانه آگهی:۱۷۴۱۲۲۷

علی سعادتانی رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

سازمان البرز